

افتخار بر حزب بزرگ کمونیست چین

تهنیت نامه سازمان مارکسیستی - لنینیستی توفان به کمیته مرکزی حزب کمونیست چین بمناسبت پیروزی و دومین سالگرد آن حزب

کمیته مرکزی حزب کمونیست چین
رفقای عزیز

روز اول ژوئیه برای همه احزاب و سازمان های مارکسیستی - لنینیستی روز فرخنده ای است زیرا که در اول ژوئیه ۱۹۴۹ آخرین درخاوردن قد پرعصره نباد که توانست برهبری پیشوای بزرگ و داهی خود رفیق مائوتسه ون خلق کمپرویز را در برابر عریضه امپریالیسم و تاجاسیسم کد و در طی جنگ بود ای طولانی حاسا آخرین پیروزی برساند ، جمهوری نوید ای چین را بنیاد نهاد و آن را با استقرار دیکتاتوری پرولتاریا به دست تسخیر نماید و صلح و سوسیالیسم را برقرار کند . گنجینه مارکسیسم - لنینیسم ایابانند مائوتسه ون هفتی ترساز و بمرحله عالی ترقی ارتقا دهد بدینترتیب عظیم تاریخی بر علیه رولتاریسم و سوسیالیسم را برپا کند ، ساختار سوسیالیست جمهوری نوید ای چین را با وجود عید شکنی و خرابکاری رولتاریست های شورون ظفرمند انه به پیشبرد وازچین کهن چین نو و شکوفان سازد ، پرچم راه مبارزه بر علیه سیادت امپریالیسم و سوسیالیسم امپریالیسم و مدافع وطن نیز باید از خلق های عبقه آزادی باشد ، با تاریخ تابناک خود و با مشرق جمهوری نوید ای چین به خلق های جهان الهام و نیرو بخشد ، با ملی ساختن انقلاب کبیر فرنگی برتری بچگونه دیکتاتوری پرولتاریا و ضد و مناسخت راه امانه سرمایه داری و چین دست بزنند درونمای تازه ای در برابر مشرتب در راه افلا سوسیالیستی بگشاید ، جمهوری نوید ای چین نیز از اثر قدرت مانای و معنوی و احراز حیثیت عظیم در میان خلق ها و کشورهای جهان ، بقامی برساند که هیچ مسئله مهمین اطلالی بد و ن شرکتی قابل حل نباشد و این موقعیت را بسودر هسانی خلق ها و طبقات زحمتکش جهان ، بسود صلح و سوسیالیسم مورد استفاده قرار دهد .

بیچیت نیست که سوسیالیسم امپریالیست های شورون نیز سازش با امپریالیست های امریکائی منفرد ساختن جمهوری نوید ای چین و اجرای هرگونه فتنه انگیزی بر علیه وی را هدف خویش ساخته اند و نیز بیچیت نیست که گلیه خلق های جهان در دفاع از جمهوری نوید ای چین زان فاع از انقلاب جهانی و وظیفه انترناسیونالیستی خویش میسازند .
خلق های ایران در یک روز شوار خوش بر علیه ارتجاع و امپریالیسم و سوسیالیسم امپریالیست از امور تهرانی تا چین کمونیست چین و از اندیشه پیروز رفیق مائوتسه ون ، آموزگار پرولتاریا و زحمتکش جهان ، الهام میگیرند ، ما بنا بر خلق های ایران پنجاه و دومین سالگرد آن حزب پرافتخار کمونیست چین را بشما ضمیمه نمائیم و پیروزی های روز افزونی برای حزب کمونیست چین و خلق چین آرزو مندیم .
افتخار بر حزب کبیر کمونیست چین .
ژنده باد رفیق مائوتسه ون رهبر آموزگار پرولتاریا و خلق های جهان .
جاودان باد آموزش مارکس ، انگلس ، لنین ، استالین و مائوتسه ون .
استوار باد انترناسیونالیسم پرولتری .

سازمان مارکسیستی-لنینیستی توفان

حیاتیاتی بزرگ تو از گذشته در مساله نفت

لاهی و کزانی در باره قرارداد جدید ایران و کسرسیوم (مورخ پخرد آن ماه) چندان زیاد است که توگوشی میخواهند از اعجاز قرن بیست و نهم بزرگ آردند و بعد لک برنمید آردند . حکومت ایران اصرا را در آن قرار داد آردید و مردم پنهان بماند و متن آن را تا این تاریخ منتشر نکردد . است . زیرا که ماهیت امر چیزی جز تعدد تسلیم پنهان نفت بانخضارهای امپریالیستی نیست .
قبل از هر چیز باید بخاطر داشت که موسسات نفتی ایران برخلاف برخی از کشورهای دیگر تماما متعلق بایران است . دولت ایران در زمان ۱۳۳۳ تا ۱۳۳۴ هزار دلار بانک کسرسیوم را تصفیه ساختند فقط از شرکت نفت انگلیس و ایران حساب قارت های چند ده ساله را خواست بلکه منابع عظیمی بنام "فرانت" باورد اخت : شرکت نفت انگلیس و ایران ۱۰ میلیون لیره بستانکاری ایران را بحساب خسارت خود نوشت از سال ۱۹۵۲ تا ۱۰ سال سالیانه ۲ میلیون و ۵۰۰ هزار لیره خسارت از دولت ایران گرفتند . جفا ۲۵ میلیون لیره) ۶۲۰ میلیون لیره بابت خسارت تا سالیان ۱۹۵۰ و مسائل فرسوده نشد و خود دریافت داشت . بگذریم از اینکه ۲۱۴ میلیون لیره نیز بابت "سرتقلی" نفت ایران از سایر اعضاء کسرسیوم ستاند) . (اطلاعات ۲۹ اردیبهشت ۱۳۵۰) و از آن بیخه یعنی در روزگار کسرسیوم هرگونه مخارجی که در موسسات نفت صورت گرفته - مانند خرید ماشین های جدید و ساختن بنا و واسکله ها و غیره - هگی از قبل دولت ایران برداشت شده است .
پس کسرسیوم ، موسسات نفت ایران ضد دینار هم سرمایه گذاری ندارد تا امروز شاه ایران ادعا کند که سرمایه انرا شناخته شده است . دولت ایران مدعی است که از این بیس بجای کسرسیوم ، دولت ایران تصمیم میگیرد که از حوزه کسرسیوم چه مقدار نفت تولید کند و ولی این فقط ظاهر امر است . دولت ایران هم اکنون تصمیم گرفته است که تولید نفت در حوزه مذکور رسال های آینده به بیش از دو برابر مقدار کنونی افزایش یابد و به ۵۰۰ میلیون تن برسد . این تصمیم چیز دیگری جز تصمیم انحصارهای نفتی نیست . در واقع انتخاب تصمیم در تهرانی با تأیید و اعلام تصمیم با محمد رضاشاه . امروز بر همه روشن است که نامز جهان امپریالیسم به نفت کشورهای آریک روز افزون است و با وضع دشواری که در اثر مقاومت برخی از دولت های خاورمیانه و آفریقا برای انحصار های نفتی پیش آمده تا این جریان منظم نفت برای آنها اهمیت درجه اول یافته است . و البته دولت های کهن جز این را در طوسی سالیانی شماری تصفیه میکنند دولت های ایران و سرستان مسوک اند . معاین وزارت نفت لنین صریحا اظهار داشته است که لنین در هیچ حالی به راه خلقی شبیه آنکه ایران برگزیده نژاد پلک خواهد شد . ما هیچ وجه باضا قرار داد های که در ازمای شدنی نفت تحول نفت را بیکسانی ها بر می آید تا طولانی تا این حد تن نخواهیم داد زیرا که این امر نه فقط باعث رفاهی مائیتشود بلکه همان سیستم سابق را به شکل جدید ادامه میدهد . (لوموند ۱۶ مه ۱۹۷۳)
روزنامه لوموند که وابسته بوزارت خارجه دولتی است که از طریق "شرکت نفت فرانسه" در کسرسیوم سهم دارد در باره قرار داد جدید شاه و کسرسیوم مینویسد : "در زمانی که مسئله تأمین نفت و گاز بصورت یکی از خطیترین مسائل دنیای غربی درآمده است و مطالبات کشورهای تولید کننده روز بروز سنگین تر میشود . . . شرکت های کسرسیوم جهان منبع مطمئن و فراوانی مانند تصفیه نفت ایران را بعد از بیست سال برای خود تأمین کرده اند . . . (۱۹۵۲) این گفتار لوموند فریاد پیروزی است که از گوی انحصار های نفتی بیرون میآید .
دولت ایران بازم مدعی است که از این پس همه نفت تولید شده در اختیار او خواهد بود . ولی چنین نیست . وقتی که دولت ایران در قرارداد ابر تمیج میکند که شرکت های عضو کسرسیوم در خرید نفت اولویت دارند معنایش حزان نمیتواند باشد که دولت ایران مجبور است نفت را باین شرکت ها بفروشد . جمله بندی تفاوت کرده و مضمون بحال خود باقی است . بقیه صفحه ۲

در عرصه پیکار

هنوز خون شهیدان در وگانه کرده که روز ۲۷ فروردین در سنج تیرباران شد ندند شکسته است که سحرگاه ششم خرداد ماه هشت تن دیکار فرزندان شریف خلق ایران در هوا و آماج گلوله های محید رضاشاه گشتند . محمد رضاشاه - دسالکی خرد خونی را با ریختن خونهای تازه تجدید کرد در مدتی کوتا یک ماه و نیم به تن از جوانان صهن برست ایران به جلا سپرده شدند . باین اقدام ها تعداد تیرباران شدگان روزم کود تادری در سال اخیر ۱۲۰ نفر رسید . ضحاک معاصر ایران در این مدت هر هفته بین نوزده نفر با دست تیرباران سپرده است . روزنامه کادریه ارگان حزب کمونیست مارکسیست - لنینیست بنژیک بد رستی محمد رضاشاه را "در پیچ کم نظیر در مقیاس جهانی" نامیده است .
از همان بیدار گاه ای که هشت تن بیدان اقدام فرستاد شدند چهارتن نیز برای گذراندن حین ایدروانه سیاه جال های سازمان امنیت گردیدند .
هفت تن دیگر از تیرباران ایران هم در چند روز آینده (۱۶ خرداد) بدار گاه های آدم کمرنگی کسانند نخواهند شد . تعداد دستگیر شدگان اخیر در قاروس و سایر نقاط نیز بد نظر بگیرد معامله کرد که "جزیره شیب" محمد رضاشاه چیلر چه تلاطمی است و محمد رضاشاه بچه ترسی از خلق و بچه حوصی برای خونخواری د چهار آمده است .
هنوز یک هفته از تیرباران هشت تن فرزند د لیر خلستق ایران نگذشته بود که کنل ها و کینیز ، عضو هیئت نظاسی مستشاران امریکائی در ایران و از جنابکاران وابسته به سیا صبح روز شنبه ۲۴ خرداد با گلوله دویبار در لیر ایرانی ارای در آمد . قتل کنل ها و کینیز آشکار کننده ماهیت مبارزه مقدسی است که در زمین ما میگذرد ، نشان دهنده چهره درخشان جوانانی است فصیح بجهانمان افلا هید ارد که پیکار خلق ایران بر علیه امپریالیسم و سرگرد آن امپریالیسم امریکا و بر علیه حکومت دست نشانده محمد رضاشاهی است ، پیکار خلق ایران بیکار مقدسی است که با هیچ دربیای خون فرو نخواهد نشست .
یاد شهیدان را گرامی بدریم !
پرورد پر شور بزنند اینان سیاسی !
دست جلا د از جان فرزندان ایران کوتاه !

ژاندار می با سردوشی آمریکائی

اظهارات اخیر سناتور فولبرایت رئیس کمیته روابط بیخ خارجی سنای امریکا سخت در محیط سیاسی ایران جد آگرد . اظهارات مذکور سابق نبود . از وقتی که منافق امپریالیسم امریکا در نفت خاورمیانه بخطر افتاد نمایندگان وی خلق های عرب را آشکارو پنهان بداخله مسلحانه تهدید کردند و سفارت امریکا در لبنان رهبری حلقه راهزنانه چتر باران اسرائیلی را بر بیروت و قرارگاه صید بن برعهده گرفت . پس سخنان سناتور فولبرایت چیز دیگری جز بیان روش تجا و گرانه شناخته شده امپریالیسم امریکا نبود . ولی آنچه تاریک داشت یاداری از نقش ایران در کار اسرائیل بنشاید بد وضوح تاش بود . وی گفت : "واستکی روز افزون امریکا بنفت خاورمیانه ممکن است امریکا را د اراشغال کشورهای عرب تولید کند ، نفت بقدرت زور کند . . . امریکائی شاید لازم نباشد شخصا وارد عمل شوند و تحقق این عمل را برعهده قائم مقام های مؤثر نظامی خود در منطقه چون اسرائیل و ایران و واگه آرند"
این صراحت بشیرانه از نماینده امپریالیسم امریکا که گرفتار ضرر سیادت طللی جهانی است شکفت انگیز نیست ولی برای اسرائیل و مخصوص برای ایران روان کننده است . نماینده امپریالیسم امریکا آشکارا اظهار میدارد که بداخله نظامی امریکا در کشورهای استقلال طلب عرب کاملا مختل است و این امر نشانه مستقما بوسیله خود او بلکه با واسطه گاشاکان و میانشهران او مانند اسرائیل و ایران عملی خواهد شد ، چنانکه در بیورش اسرائیل برمالک عرب در سال ۱۹۶۷ علی شد . بقول عشقی : "دست برست یاسی ویا پای خر" .
بدیهی است که اظهارات فولبرایت شاه ایران را در روش فضیحت باری قرارداد . روزنامه ها ماهوریت یا فتند که اولام قلم فولبرایت را در بیستله مراتب بدستگاه حکومتی امریکا نازله و شخص اوری بد اعتبار جلوه دهند و تانبا معنا و مضمون سخنان او را در گسرد و خاک غلیظی از لای و کزافی بیوشانند ، اطلاعات نوشت که فولبرایت - رئیس کمیته روابط خارجی سنای امریکا - در عالم خیال بر رازی بدچار افسون شده "است و مدعی شد که ناظران تهران درنگ بپ "قوی" این اظهارات مرموم با پیونخند سوال میکنند از چه زمانی تاکنون جناب فولبرایت بقیه صفحه ۲

گرامی باد یاد تیرباران شدگان و شهیدان!

سیمج یوزده دیکتاتوری فرانکو

چنانکه توفان در شماره ۳۳ خرداد در سوال پیش هم ابتکار حزب کمونیست مارکسیست - لنینیست اسپانیا کیمیت هم آهنگی برای تشکیل جبهه انقلابی ضد فاشیستی و میهن پرستانه اسپانیا مرکب از عده‌ای از احزاب و سازمانهای موقر - تیک بر اساس شش ماهه بوجود آمده اینک حزب کمونیست مارکسیست - لنینیست اسپانیا در سند جدیدی در تشریح هدفهای کیمیت هم آهنگی چنین گفتند:

"کیمیت هم آهنگی از آغاز تاسیس به وظیفه در برابر خویش نهادند و بعبارت دیگر سه جهت حمله در مبارزه برای رهائی اسپانیا تعقیب کردند:

وظیفه نخستین عبارتست از مبارزه بر علیه سلطه آمریکا و افتادگان آن در برابر توده ها و زیرا که سلطه بدگور کاملاً آشکارو مشهود نیست و این امر نه بر حسب تصادف بلکه عمدتاً و با نقشه طبقات حاکمه بوجود آمده است تا از نهضت میهن پرستانه خلق جلوگیری شود.

برانگیختن مبارزه بر علیه اشغالگر ناشیونال اسپانیا یعنی امپریالیسم آمریکا و مبارزه‌ای که باید بقدری تا عالی ترین سطح ارتقا یابد. جبهه انقلابی ضد فاشیستی و میهن پرستانه اسپانیا برافرازنده بروج استقلال ملی است که در دست فرمانروایان خیانت ورزیده و بسیاری از درویش های دیگ (یوزده روزینویست ها) آنرا بدور افکنده اند و خلق ما هرگز از آن روی بر نتافته است.

وظیفه دوم عبارتست از مبارزه در راه جمهوری توده‌های و فدراتیوه مبارزه در راه رژیم جمهوری که خلق اسپانیا صد ساله ساله دست از آن قاع کرده و اینک در آزادی دوباره آگست، مبارزه و کفون بر علیه مانورهای سلطنت طلبانه، وژان کارلوس متحرک شده است زیرا که این مانورها شبنمی است برای جاودان ساختن فاشیسم سلطه آمریکا در اسپانیا، الیگارش اسپانیا و اربابان آمریکائی بدین وسیله میخواهند سردر دیکتاتوری را سفید کاری کنند. اگر بر علیه این مانورها مصمانه مبارزه نشود مبارزه بر علیه فرانکیسم بر علیه آمریکائیان بطور پیگیر صورت نخواهد گرفته آنچه در این باره سخن های بسیار گفته شود و تشریح کارتهای بسیار کرده شود، وظیفه سوم عبارتست از مبارزه در راه وحدت ضد فاشیستی و میهن پرستانه و وحدت واقعی انقلابی همه خلق اسپانیا بر علیه فاشیسم. این وحدت غیر از دروغ برد از بهای خائنانه کاریلو (دبیر حزب کمونیست روزینویست اسپانیا) است که میخواهد با دزدخیمان خلق متحد شود تا آنان هم چنان در مقام درجهی باقی بمانند و فریبان آنان بچنین وضع تن در دهند. وظیفه موم برای تحصیل و توسعه این وحدت عبارتست از اعلام جبهه انقلابی ضد فاشیستی و میهن پرستانه اسپانیا یعنی طی مرحله تدارک شرایط لازم برای این وحدت.

چنانکه گفتیم، این سه جهت حمله تشکیل دهنده جبهه واحد تیرد است زیرا که بدون مبارزه بر ضد آمریکا مبارزه بر علیه دیکتاتوری فرانکو تحقق نمی پذیرد و زیرا که امپریالیسم آمریکا است که علی الاصول فرانکو را در قدرت نگه میدارد و بدون مبارزه بر ضد مانور سلطنت طلبانه وژان کارلوس نه بر علیه دیکتاتوری فاشیستی مبارزه صورت خواهد گرفت و نه بر علیه سلطه آمریکا زیرا که مانور مذکور راه نجات این هر دو را نیست نومیدی آور گوئی است. ندین وحدت توده‌های مبارزه مؤثر نه بر علیه دیکتاتوری فرانکو انجام خواهد گرفت و نه بر علیه امپریالیسم آمریکا.

پس این سه جهت حمله از لحاظ دیالکتیک بهم پیوسته اند.

اکنون بعد از دو سال سارو برای ساختمان جبهه انقلابی ضد فاشیستی و میهن پرستانه ما کمونیست ها باید مانند گذشته نخستین کسانی باشیم که بخاطر این سه وظیفه مبارزه میکنیم. واضح ترین مبارزان باشیم. به بیشترین فدائی کاری تن در دهیم. ما کیمیت هم آهنگی که در زیر پرچم جبهه انقلابی ضد فاشیستی و میهن پرستانه بخاطر رهائی اسپانیا از آمریکائیان از ناشیست ها در کار ما قرار میگردد صدیق و وفادار و برادر و آرامیم.

خیانتی بزرگتر... بقیه از صفحه ۱ دولت ایران فقط حق دارد که ۲۰ درصد از نفت تولید شده را رسا بفروشد برساند ولی... ولی حق دارد که آن را نیز رسا به خود شرکت های کسریوم بفروشد. چنانکه دیده میشود آزادی دولت ایران آزادی امیری است که روزی بر سر کلاه خود دست و پا زاری کند دولت ایران در مورد بهای نفت خام هم سخنوی کسریوم است. اخیراً شاه در مصاحبه خویش در تلویزیون بگوسلاری به مخالفت با افزایش بهای نفت خام برخاست و استدلال کرد که این افزایش موجب افزایش بهای کالاها می شود که کشورهای دارند و نفت از کشورهای انحصارات نفتی میخردند و ما لا بزبان کشورهای نخستین است. این استدلال دفاع مستقیم از انحصارهای امپریالیستی است. همه میدانند که ممکن است بهای نفت که بابت نفت به کشورهای دارند این کالا پرداخت میشود افزایش یابد بدون آنکه کمترین تغییر در بهای فروش نفت در کشورهای مصرف کننده روی دهد زیرا که از هر دو لایه نفتی که در کشورهای اخیر بفروش میرسد بیش از ۷۰٪ نفت آن به ممالک صاحب نفت متعلق نیست و بقیه به گیس انحصارهای نفتی و یاد ولتد های آنها سرازیر میشود. اینک میتوان از این سود سرشار انحصارات امپریالیستی کاست و بر درآمد صاحبان نفت آفرود بدون آنکه کمترین تغییر در بهای فروش نفت در کشورهای امپریالیستی روی دهد و باعث افزایش قیمت کالاها و آنها گردند اما محمد رضاشاه نه فقط این حساب روشن کشورهای غارت زده را ندیده میگردد بلکه گستاخانه بد فاع از حساب شمید میازانه کشورهای غارتگر میرد از دولت ایران فریاد میکند که دیگر دستگاههای نفتی به دست شخصان ایرانی اداره خواهد شد. ولی طبق قرارداد تعهد کرده است که "عجالتاً" کیمیت کارشناسان کسریوم بر سر کار باقی خواهد ماند و در برهان پاشیه سابق خواهد گشت.

مسئله نفت ایران تماماً قابل درک نیست اگر آن را در ارتیا با مسائل سیاسی خارومیانه و بوزه خلیج فارس در نظر بگیریم. این منطقه بوزه پس از تسکین حقد در وقتام بصورت مرکز ثقل سیاست های امپریالیستی و سوسیال امپریالیستی درآمده است. امپریالیسم آمریکا میلیاردها دلار برای حفظ سلطه خویش در وقتام و بطور کلی در آسیای جنوب خاوری خرج کرده و میگردد در خلیج فارس نیز برای نگهداری خویش در برابر نفوذ های اروپایی خلق ها و نیز در برابر مهاجمه آلمان گیسخته سوسیال امپریالیسم شوروی ناچار بخارج کرایه دیگری است. در اینجا هم آمریکا به نوعی از "وستانی کردن" احتیاج دارد و عزیزانه آن را از حاصل عواید نفت - فقط بطور غیر مستقیم و بوسیله دولت ایران خواهد پرداخت. آنچه دولت ایران با یک دست میگردد با دست دیگر بعنوان خرید مبالغ عظیم و بی سابقه اسلحه و بمباران تجهیزات نظامی بنادر و جزایر جنوب به امپریالیست ها بر میگردد. با زهم بجاست که روزنامه لوموند - این سخنگوی آگاه معارف غارتگر امپریالیستی - را بشهادت بهاریم که می نویسد: "سلما اسلحه فروش به دول بزرگ امکان میدهد که صنایع بمباراسود آرزو خود را برانگیزد از دو نوازن برد لخته ها خود را بهبود بخشد، در همین حال که حصه مهمی از انرژی های صاحب نفت را باز شناندند. کمپانی ها - کابلا مانند - دولت آمریکا اطمنان دارند که آنچه به او (شاه ایران) بخشیده اند در واقع در حکم سرمایه گذاری بسیار مناسبی است که میتواند منافعی بسیار بهتر از آن داشته باشد." (سر مقاله ۲۵ مه) ماهیت خیانت جدید محمد رضاشاه را در این تصریح می توان دید: تا مین منافع انحصارات نفتی دولت امپریالیستی در برابر آنها انحصارهای آمریکائی دولت امپریالیست ها بشیوه ای بهتر از آن گشته.

نفت در ابوموسی

نشریه "صوت الثورة" نشریه هفتگی در بیرجانه "جبهه توده های آزاد بیختر عمان و خلیج عربی" در شماره ۱/۷/ ۱۹۷۲ خیر میدهد که در جزیره ابوموسی (یکی از جزایر سگانه های که در تاریخ ۳۱/۱۱/۷۱ با توافق امپریالیست ها و امرا عربی بویله قسوس ایران اشغال شد) ذخیره بزرگ نفت کشف شده است. این خبر را شرکت آمریکائی کسریوم که کار را در دست دارد در لندن منتشر ساخته است. "صوت الثورة" بدستی می نویسد که کشف مذکور تصادفی بود و در سابقه نیست بلکه یکی از بیانی سازش ها بودند و است هائی است که در موقع خود بین امپریالیست ها و امرا عربی عریضت سعودی و ایران صورت گرفت.

زاند اری با... بقیه از صفحه ۱ احساس میکند اختیار نیروهای نظامی ایران بدست واشنگتن برای اجرای دستور آن افتاده. این روزنامه درباری کارگزاره کوش را به آنجا رسانده که گفت: "شاید یاد آوری این حقیقت برای تجدید نظر سیاسی جناب فولبرایت بی نهایت نباشد که در مسائل خارومیا اگر تهران به واشنگتن دستور دهد واشنگتن دستور میفرماند نخواهد داد!" ولی همه این تیرزه جوش های در زمین دولت ایران با سخره مردم زوروشد. پرواضح است که آن هزاره صد مستشار نظامی امریکائی که هم اکنون در کشورهای میهن پرستانه و آن صد هانفر یکی که بناسبت تجدید آموزش ارتش ایران در شرف آمدن هستند برای آن در ارتش ایران نشسته اند و نخواهند نشست که اختیار نیروهای نظامی واشنگتن را بدست تهران بسپارند بلکه هدفشان سیردن اختیار ارتش ایران با امریکاست. امپریالیسم آمریکا ۱۹ میلیون دلار در برهه کودتای ۲۸ مرداد و بازار گرداندن شاه فراری خرج نکرده و بوظیفه های سالهای اخیر در خلیج فارس و اشغال جزایر سه گانه را بدست محمد رضاشاه تدارک ندیده و در رئیس اداره تجاسوسی خود را با ایران نفرستاده است تا از محمد رضاشاه در کار خلیج فارس دستور خواهد بد که تا دستورهای خویش را بوسیله او اجرا کند.

جان ارتش محمد رضاشاه در دست امپریالیست ها و بوزه امپریالیست های آمریکا است که میلیاردها دلار با اسلحه فروخته و میفروشند و هزاران رشتنه مرئی و نامرئی در تارتاریون این ارتش یافته اند. یکی از هدفهای کفران سدیلمات های امریکائی در خارومیانه و جنوب شرقی آسیا که در اول اردیبهشت ماه در تهران بعد از کرات محرمانه پرداختند تسجیل نقش است به مثابه زاند ارم خارومیانه بود، زاند ارمی که تفنگ امریکائی است، سرد و شیش را از امریکا میگیرد و نقشه مطیانش در رجب آقاسی هلمز سفیر امریکاست. همان روز ۲۳ فروردین که نخست وزیر شاه در لندن از مساعت ایران به سلطان عمان لافت میزد کرد کارستون وزیر دفاع انگلستان به بازدید واجد های ارتش انگلیس و ایران در عمان اشغال داشت و این امر نشان آن بود که فرارگاه فرماندهی واحد های ارتش ایران در رماور بهار است.

شاه در مصاحبه اخیر خود باخبر مجله نیوزویک گفته است که مسئولیت تکلیباتی وحدایت از خلیج فارس را بر عهده دارد که شامل ۶۰ درصد از ذخائر جهانی نفت است و تصمیم باتخاذ این مسئولیت را در سال های ۱۹۵۹ - ۱۹۶۰ گرفته زیرا که از همان وقت باین نتیجه رسیده است که امریکا برای همیشه نخواهد توانست نقش زاند ارمین الطلی را ایفا کند. شاه در این باره شش میسازد که وظیفه او تکلیباتی و در صد از ذخائر جهانی نفت است که باید تا آخرین قطره بکام انحصار های امپریالیستی ریخته شود. هر کس یا هر خلقی یا هر کس که به مخالفت با این فراترگی بر خیزد سر کارش محمد رضاشاه خواهد بود سناتور فولبرایت هم جزاین نگفته است. پیش از آن گفته اند نیز همه میدانند که امپریالیسم آمریکا سه گامشته هار و صلح و گوش بر فرمان در خارومیانه دارد: اسرائیل در تره سوئیس و عربستان سعودی در دریای سرخ و محمد رضاشاه در خلیج فارس. اما خلق های خارومیانه هم در وگانه فروزان جنگ توده های در این منطقه دارند. بیکی بخاطر آزادی فلسطین و دیگر بخاطر رعای ظفار عمان و خلیج فارس. سراسر خارومیانه برای سوزاندن زباله های ارتجالی و استعماری آماده اشغال است. در ایران زمین زیر پای زاند ارم خلیج میبزند. ایفا نقش زاند ارم خلیج ایجاب میکند که محمد رضاشاه با وظیفه از بابت مخرج تسلیحات و نگهداری ارتش نواستعماری برگردد. خلق ایران بگد ارد باعت تشدید ناخشنودی و خشم همگانی گردد. مد اخلات نظامی و غیر.

نظامی محمد رضاشاه در کشورهای عربی موجب میشود که خلق های ایران و عرب پیش از پیش به لزوم همبستگی خویش پی ببرند و در جبهه واحد بیگانه بر علیه دشمنان مشترک متحد شوند. تمدنی زاند ارم خلیج از طرف محمد رضاشاه اگرچه بر مشکلات میا روزه خلق ایران می افزاید. رانه پنهان و تری به معنا و اهمیت انقلاب ایران می بخشد و انگیزه نیرومند تری برای خلق ایران در عرصه فد آکاری و جان بازی و احرا زوری وجود می آورد.

مزد، بها، سود

اندر ادبیات کارل مارکس با ترجمه توفان منتشر شد. آنرا از دفتر توفان بخوانید. بها: معادل ۳۰ ریال

طیقه کارگرو... بقیه از غده؟ سوسیالیسم علی سخت بدو راست... تئوری های جدید گورشاو بسیاری از عناصر مهم تاروشن والتفاقی است، محلولی است از اصول سوسیالیسم یا اصول سرمایه داری، از اصول ایدئولوژی سوسیالیستی یا اصول ایدئولوژی بورژوازی و دین هیس... این تئوری های "سوسیالیستی" از یک سو گواهی بر طبیعت سوسیالیسم و گواهی قوه جان به افکار سوسیالیستی مظهر تلاش برای یافتن راه خلاصی از فقر و عقب ماندگی است و از سوی دیگر نشان دهنده تشنگی برای بورژوازی و سایر نیروهای ارتجاعی برای فریب توده ها و برای منحرف ساختن آنها از مبارزه در راه واقعی سوسیالیسم است.

رفیق انور خوجه در گزارشی در شماره حزب کارآلبانی در این مورد خاطر نشان ساخت که "مارکسیست ها... لنینیست ها هرگز ارایش و هرگوش ضمیمه تئوری سوسیالیسم را نپذیرفته اند و شکیبایی میکنند ولی در زمین جبال یاد آور میشوند که سوسیالیسم در هر کسب و فقط بر اساس مارکسیسم - لنینیسم و برهبری طبقه کارگر و حزب و حزب جنبه جبهه جبهه یعنی پرتوری، پیروز شده است و جز این نمی توانست باشد."

هدیان

آنچه در یلامخوانید غلط چاپ نیست، هدیایان سرریض عضبه ای نیست... بلکه سخنان مردی است بنام "شاهنشاه آریا- مهنز" که هر وقت بدین پیش نویس تعلق میگردد از این گونه پرت و - بیدارها... ملوک الکلام ها... میگوید و اشتغلی تکرار خود را نشان میدهد.

"ما داریم مملکتان را از لحاظ فنی، صنعتی و کشاورزی به تکنولوژی مدرن مجهز میکنیم... بهمان تناسب باید توجه بکنیم به فراهم کردن و عرضه کردن غذا و روحی برای توازن کردن در بین کارجویی و کار با صلاح مائریالیستی یا خوراک روحی ولد ایستد روحی لازم است... خوشبختانه در این صحبت که گفته امیران غنی است... یعنی مسافانه اگر گدشتهای داشته باشیم فقط در همین قسمت روحی و ادبی و فرهنگی است برای اینکه ما گدشتهای فنی و تکنولوژی نداشته ایم... اگر درست در نظر گرفته باشیم از دیدن تاریخ بشری تاریخ جغرافیای و نیاتان همین اواخر این روی روند اشتغال و یکی شاید برای اینکه اصولا با این موضوع در هیچ جای دیگر اهمیت نمی گد اشتند در گدشته بعلمت ضعف حکومت مرکزی و در لامل دیگر هیچ وقت در مملکت ایران نمی برای حفظ طبیعت برداشته نشده است... هیچ وقت یک درخت اضافی کاشته نشده بود..."

کیهان ۱ اردیبهشت ۱۳۵۲

عصیان در ارتش شاهنشاهی

محمد رضاشاه به فروراه سلاح های رنگارنگی که بقیعت بر باد دادن کشور خریداری میکند مقرر فرستاد... ولی پوچی و ناتوانی ارتش محمد علی اورا از تطلعاتی که در درون آن میگردد میتوان قیاس کرد... محمد رضاشاه تاکنون مقررات و آیین نامه های در مکرراتیک بسیار برای مهار کردن عناصر ناراضی و سرکش ارتش وضع کرده و اختیارات فوق العاده به فرماندهان در تنبیه و مجازات زیر دستان داده است... در ادگاه های نظامی اونیز در صدور احکام جبرانگیز کتبی تنزینند... معذک تعداد سربازان و افسرانین که از محیط حقیقتان آبر و مردمی کس ارتش بجان می آیند و راضیا در پیش میگردد روز بروز افزایش میابد... از منابع موثق خبری می دهنند که ماه گذشته یک سرهنگ یک سروان و یک ستوان به همراه چند درجه دار باتهام فعالیت های سیاسی اعدام شده اند... اعلانات در ادگاه های ارتش و احصایان در روزنامه ها فراوان چشم میخورد و اگر همه آنها در طول مدت جبهه نمود بصورت کتبی در خواست اعدام میابد... ما بجزا خدمتونه از اذیتات مذکور را از روزنامه اطلاعات نقل میکنیم تا خوانندگان گرامی به بینند که ارتش شاهنشاهی چگونه پیوسته است:

آگهی احضار

به نوابکدو رحیم زیان، شغل آفس نیروی دریایی شاهنشاهی که محل اقامت وی در پیونده تهران، خیابان نادری کوچه فیروانی منزل کبری شماره ۳۹ تعیین و نقل میشود امکان میباید احضار میشود که تا تمام افراد از خدمت در این روزی تحت پیگرد میباشند... متنش است طرف دو ماه از تاریخ تعیین آخرین آگهی خود را باین بازرسی واقع در خیابان فرخنده خیابان مصور معرفی نموده... در غیر ای صورت طبق ماده ۱۴ قانون دادرسی کتب ارتش نیابا پیونده رسیدگی و اقدامات قانونی مبور خواهد گردید... مالک ۱۳۵۲

آگهی احضار

به نوابکدو رحیم زیان، شغل آفس نیروی دریایی شاهنشاهی که محل اقامت وی در پیونده تهران، خیابان نادری کوچه فیروانی منزل کبری شماره ۳۹ تعیین و نقل میشود امکان میباید احضار میشود که تا تمام افراد از خدمت در این روزی تحت پیگرد میباشند... متنش است طرف دو ماه از تاریخ تعیین آخرین آگهی خود را باین بازرسی واقع در خیابان فرخنده خیابان مصور معرفی نموده... در غیر ای صورت طبق ماده ۱۴ قانون دادرسی کتب ارتش نیابا پیونده رسیدگی و اقدامات قانونی مبور خواهد گردید... مالک ۱۳۵۲

کنک از آسمان افتاد و شکست
وگرنه شش کجا و عقل سالم!

زبان استعمارگران

یکی از نشانه های نیمه مستعمره بودن ایران رواج روز بروز زبان های فالتک استعمارگرو بورژوازی انگلیسی در یک پستلما از ارتش شرکت ها و بنگاه ها است... در واقع امروز و روز دیگر ایرانی که زبان انگلیسی ننداند فقط باین نگاه باید بد شود... ری های بسیار برای یافتن شکل مناسب روبرو گردید... البته کشوری که با خالک اروپا و آمریکا در ارتباط اقتصادی و فرهنگی در بربری آزاد ارات و شرکتها و بنگاه ها هستی چینی نیازمند است که استاد لازم را ترجمه کند و در برترین مقصد بیان امیر گد از ولسی در کشور ما امروزه دانستن زبان خارجی و بویژه انگلیسی شرط استخدام هر کارمند فنی متخصص است زیرا که اصولا زبان رسمی یک سلسله از ادارات و شرکت ها و بنگاه ها و واقع بجای زبان فارسی و انگلیسی است.

برای نمونه صفحه "فرصتهای استخدامی" روزنامه کیهان مراجعه میکنیم... مثلا به شماره ۱۰۰۰ در بیبهشت... در اینجا شرکت سهامی چیب ایران یک مهندس برق میخواهد... ولی شرط این نیست که مسلط بزبان انگلیسی باشد... یک شرکت صنعتی در حال توسعه... بهمدیر ماشین آلات صنعتی احتیاج دارد ولی شرط استخدام او اوردانستن زبان انگلیسی معین کرده است... گروه صنعتی مینوبه مهندس شیمی و مکانیک نیازمند است ولی شرط بآنکه بزبان انگلیسی بداند... یک شرکت تحقیقاتی در جستجوی حسابد ارورزید ماست ولی بآن شرط که بزبان انگلیسی آشنایی کامل داشته باشد... و بانک اعتبارات ایران لیسانس حسابد ار - بازرگانی و اقتصاد میخواهد ولی با شرط تسلط کامل بزبان فرانسه یا انگلیسی... یک شرکت صنعتی فلزی جویای یک مهندس شیمی است ولی آشنایی بزبان انگلیسی یا فرانسه... همین شرط را در اعلانات استخدامی شرکت جنرال تولز... شرکت سیمان تبرا یک آژانس تبلیغاتی... شرکت زیگما و غیره نیز می بینید.

البته دانستن زبان خارجی وسیله تسهیل دانش پژوهی است ولی جز در موارد خاص نمیتواند شرط استخدام باشد... در واقع شرط آشنایی با زبان خارجی و بویژه انگلیسی در ادارات و شرکت ها و بنگاه های ایران... خاطر استفاده بیشتر از منابع علمی بلکه نتیجه سلسله مستشاران و شرکا و روسای آمریکایی و انگلیسی و غیره است... برای خورند آنها همه باید انگلیسی صحبت کنند... برای بندوبست با آنها همه باید انگلیسی بداند... به سبب گزارش آنها همه باید انگلیسی بنویسند... آشنایی زبان تخصصی در ادارات و شرکت ها و بنگاه های ایران انعکاسی از استبدادی سیاسی و اقتصادی و فرهنگی آمریکا در ایران است.

بدر طبعه... بقیه از غده؟... کلبه های دولت واحد... و چند کامل سازمان های توده ای آنها میباید تحقیق کرد... هرگونه نقای افکی در این اتحاد بزبان یک یک ملت هاست... لنیس در مقاله "انقلاب سوسیالیستی و حق ملت ها در تعیین سرنوشت خود" اصولی را خاطر نشان ساخته که یکی از آنها چنین است: "ضرورت تابع ساختن این مطالبه (یعنی مطالبه حق ملت ها در تعیین سرنوشت خود - توان) و همچنین گلبه مطالبات سیاسی و مورکاسی سیاسی به مبارزه انقلابی بلا فصل برای سرنگون ساختن دولت های بورژوازی و برای تحق سوسیالیسم" (جلد ۲۲) - لنیس در همانجا می آموزد: "سوسیالیست های ملت مستقیم بویژه باید وحدت کامل و بدون قید و شرط کارگران ملت مستقیم با کارگران ملت مستقیم در منجمله وحدت سازمانی آنها را پشتیبانی کنند... موقع عمل در اورنگ: لنیس در "دستان مردم" میگوید: "برای مبارزه بر ضد کلبه ملی هیچ وسیله دیگری نخواستند کردن و بهمیوستن طبقه مستقیمان برای مبارزه با طبقه مستقیمان در رسم کشور جداگانه بجز جمع کردن چنین تشکیلات ملی کارگری در یک ارتش بین المللی کارگران برای مبارزه بر ضد سرمایه بین المللی نخواستند نیست" (منتخبات فارسی جلد ۱ قسمت ۲ ص ۲۳ - ۲۴) - لنیس در مقاله "تعمیرات روز و سرنوشت های شوروی سابق" در عراق در مقاله "نقای افکی در ساخت توسعه داده و حق مدعی شده است که گفتار از سنین محصلین و دانشجویان ایرانی باید به سازگان ها تلقی (یعنی آذربایجان، فارس، کرد، بلخ، ترکمن، عرب و غیره) تقسیم شود... بعقیده آنها ایجاد سازمان های ملی در ایران ایرانیان مقیم کشورهای اروپای غربی و بویژه آلمان غربی و اطریش و فرانسه... بیشتر شورش و منطبق است... ایجاد چنین سازمان های ملی در بین محصلین ایرانی نیز ضروری است"

هرگز که کمترین آشنایی بطرز کارگد را سیر محصلین و دانشجویان ایرانی دارد بزودی در بری یابد که این کوشش چیز دیگری جز تلاش در راه تلاشی گد را سیر نیست... روزی نیست هاتا کون با انواع وسائل برای تخریب گد را سیر منوسل شده اند... از آنچه معاین حملات کین تزانه... هم برنگد را سیر ایجاد سازمان های جداگانه ای بمنظور ایجاد ساختن نیروها دست زدند... و اینک از سوزخ دیگری سر برد آورده اند... مابین داریم که دانشجویان آگاه در ارفا این نوطه چند یک بد و نوردید از جانب سازمان امنیت نفیوت خواهد شد خواهند کوشید.

مسئله ملی در رز در مارکسیست ها... لنینیست های ایران کامل روشن است... ماتیلیفات رژیم را که مبنی بر نفی وجود ملت ها می گویانگ... در سرزمین ایران است فاش میسازیم... ما با هرگونه ستم ملی مبارزه میکنیم... ما خواستار اجرای تام و تمام اصل لنینی حق ملت ها در تعیین سرنوشت خویش هستیم... ولی ما این مبارزه و این مطالبه را تابع پیگرد عمومی خلق های ایران نبرایه استبداد و ارتجاع می - شماریم و معتقدیم که کارگران باین پیگرد عمومی تقدم داده نشود مبارزه ضد ارتجاعی ضد امپریالیستی به پیروزی نخواهد انجامید و حقوق ملت های ایران در تعیین سرنوشت خویش نیز تحقق پذیر نخواهد بود... ما با تمام قوا در راه حفظ وحدت و یکپارگی سازمان سیاسی طبقه کارگر سوسیالیستی ایران و کلبه سازمان های توده های سراسری ایران پیگار میکنیم.

از نامه ای

... فریاد دانشجویان دانشکده کشاورزی کرج از دست خوردن سوری های یکی از مسئولان اداری دانشکده... بنام دکتر آقبی... که ما مور سازمان امنیت است و میگویند... مقامی مهم تراز فرهنگ خدیوی مسئول سازمان امنیت کرج در ارد بلند است شما می توانید با افتخار این شخص بد دانشجویان یاری رسانید...

بهای هر شماره توفان معادل ۱ ریال... آژومان سالانه معادل ۱۰ ریال... فهرست نشریات توفان را در دفتر توفان بخوانید.

عنوان مکاتبات
X GIOVANNA GRONDA
24030 VILLA D'ADDA/ITALY

حساب بانکی
X GIOVANNA GRONDA
GONTO 17549/11
CREDITO ITALIANO AGENZIA 16
MILANO/ITALY

پیروز باد جنگ توده های خلق فلسطین

آدم‌های در برابر آن‌ها

سطوری که تیرا از نظر خوانندگان گرامی میگذرد است استخراج از سندی است نظیر یادداشت‌های زندان اوین که از طرف سازمان مباحث رسید و شناسایی آن در ماهنامه توفان نیز منتشر گردید. این اسناد گواه تسلیم ناپذیری خلق ماست که فرزندان شناسنامه‌اش حتی در زندان‌ها محمد رضا شاه میزد و فریاد می‌کرد و سر بلند نگه میداشتند. تروید بر سرش بزند انسان سیاسی

آشنائی و برخورد در محیط سیاسی زندان‌های ایران و بخصوص بحث و جدل در باره یادداشت‌های زندان اوین یا آن خط مشی سیاسی ضعیف و کج‌جری یک گروه و عقاید آن یا گروهی دیگر همگی چهره واقعی زندان‌های امروز را تشکیل میدهند. تیرا را در این محیط بسیار زیاد است بحث و جدل و ایدئولوژی بطور وسیع چشم‌شود. اما در برابر این هیولای یک موضوع در زندان کلام صحیح و مطبوع تفروکینه نیست باین دستگاه می‌باشد. محیط زندان‌های سیاسی ایران بعبایت واقعی و بقای بد و تازه وارد تجربه جهت‌بینی سیاسی می‌بخشد.

من شاهد روزها و شب‌هایی هستم که هم زنجیران ما پناهت سرافرازی و بی‌وقف‌گان بدیدن کوچکترین لژی راه مرگ را در پیش گرفته‌اند و بعد و بعد‌های سازمان امنیت نتوانست کوچکترین خدشهای در عقاید آنها وارد آورد. پیام آنها برای ملت‌ها همانا آدم‌های سواره بر علیه امپریالیسم و سگ‌های زنجیرشود. از شکست‌های سازمان امنیت همه باخبراند. این شکست‌ها از شلاق شروع میشود. بخواهی مدام یکی از زندانیان شکست‌هاست. چند شب و چند روز بخواهی کشیدن و سوسپا ایستادن انسان را از پای در می‌آورد. اندر شلاق می‌زنند که تمام بدن انسان باد میکند و توات رفتن بلائی بدون در میان جلوه میکند. اینها را همه شنیده‌اند. اما این راهم همه باید بداند که ایمان و اراده ما موفق اینهاست. اگر ایمان هدف مبارزه را درک کرده باشد پس از دستگیری خود شرا نمی‌بازد. اعتراض میکند، از شکست می‌ترسد، از مارد و زور و فرزندش می‌گذرد و آن وقت خود ترا بمراتب نیرومند تر از آن‌ها می‌شلاق بدست حس میکند.

دربارهٔ ما زهرهم شکار انسان‌ها

در این اولفتر سازمان جنایتکار امنیت به دستگیریهای برداشته‌ای در استان فارس می‌بادرت گرفته است. از ۲۶ نفری آسامی آنها را نزد ماست ۱۲ نفر در روزه (فارس) و نفر در بند عباس، ۲ نفر در تهران، ۲ نفر در شیراز، ۲ نفر در لار و نفر در اهواز دستگیر شده‌اند. از این عدد هفت نفر در اینجه و ۳ نفر در بیلعه، ۳ نفر آوزگار و ۳ نفر مهندس، ۲ نفر دبیر، ۱ نفر کارگر، ۱ نفر پیشه‌ور، ۱ نفر کشاورز، ۱ نفر زن خانه‌دار، ۱ نفر بنا، ۱ نفر خدمتکار مدرسه، ۱ نفر سپاهیان دین، ۱ نفر کارمند شرکت هواپیمائی هستند. بخوسی صادرات، ۱ نفر کارمند شرکت متعلق بهمه قهرمانی، موزک. دیده میشود که دستگیرندگان متعلق بهمه قهرمانی، موزک. تیک خلق ایران‌اند و ترکیب آنها نشانه عمویت یافتن مبارزه یورش رژیم محمد رضاهای است.

ما فریاد اعتراض خود را بر علیه این تبهکاری جدید سازمان امنیت بلند میکنیم. دست خفته‌کننده سازمان امنیت از گلو فرزند آن ایران کوتاه!

دربارهٔ يك مقاله

یکی از خوانندگان عزیز مقالهای با عنوان "ارتقا درجه در ارتش شاهنشاهی" فرستاده است ولی مقاله بجای آنکه تعبیری باشد فقط مربوط به یک فرد معین است که در خود و اینجه توجه نیست. چه خوب خواهد بود اگر آن دستگیری بتخلیل جنفد خانهای ارواح زنده ایران دست بزند تا برای خوانندگان توفان مفید تر باشد. ماموقفت وی را خواستاریم.

بر علیه تفروقه اندازان

تفرقه افکنی در میان خلق‌ها و نیروهای سوزانیک شیوه دیرینه امپریالیست‌هاست. سوسیال امپریالیست‌های شوروی این شیوه را تکمیل کرده و حتی رنگ مارکسیسم در روش هم بدان زدند. از این جهت تشیبات نواستعماری سوسیال امپریالیست‌ها، یعنی شوروی در این مورد بر مراتب گمراخته‌تر و خطرناک تر از نواز سوسیال امپریالیست‌هاست. ما از قدیم گفته‌اند: "چو در زمی با چراغ آید گزیده نور برد کالا".

یکی از راه‌های تفرقه افکنی سوسیال امپریالیست‌های شوروی توسل موزون به باصل بزرگ لبنینی "حقیقت‌ها در تعیین سرنوشت خویش" است. این اصل که بمعنای اعلام آزادی گمیه ملت‌های رامیر، از هم پاشاندن سیستم استعمارات، وحدت کلیه طبقات و خلق‌های زنجیرشده بر علیه امپریالیسم و ارتجاع آوردن شد و در سوسیال امپریالیست‌های شوروی بنحویں وسیله‌ای برای برانگیختن عقاید ملی بطور تقسیم کشورها و تاملین سلطه استعمار یونیورس استفاده قرار میگردد. نمونه روشن این بهره‌برداری قدرانه در پاکستان شرقی بطور رسیده. سوسیال امپریالیست‌های شوروی که از سیاست خارجی پاکستان در مورد حفظ روابط و سببی با جموری تود ما مدعیان ناخشنود بودند جنین ضد موزکاتیک حکومت پاکستان، فقر و بی‌سوائی طغیان انگیز عموم خلق پاکستان و ستم ملی را که بر خلق پنگان شرقی روا داشته میشد بهانه ساخته دولت تجاوزکار هند را بد اخلاص سلحشاه در امر پاکستان برانگیخته و با تجزیه پاکستان دولت دست نشاندن بنگال و رابوچود آوردند که از سوسیال امپریالیسم شوروی و امپریالیسم امریکا و مرکز چرخشی بر ضد جموری تود‌های چین است. اما از راه‌های نوین کرملین با زهر آسوده تشیبات و بیخودانند نام "آزادی" خلق بلوچ عقود بگری از پاکستان را در عقب آرزوی جد سازند.

طبقه کارگر و رسالت تاریخی او

"آلبانی امروز" مجلهٔ سیاسی حزب کارآلبانی مقالهٔ مشروحی تحت عنوان "طبقه کارگر و رسالت تاریخی جهانی او" بقلم رفیق فوتیجی "عضو کمیته مرکزی حزب کارآلبانی" انتشار داده است که چون همهٔ آن را متأسفانه نمیتوان در توفان آورد اینک بخشی از آنرا از نظر خوانندگان گرامی میگذرانیم:

بطور عمدهٔ بورژوازی ملی و مالکان بزرگ ارض در قدرت‌ها، به عقیده روزیونیت‌ها سوسیالیسم طرفند آنچنان نیروی سحر آمیزی دارد که میتواند بورژواها و ثرواد ال‌ها را نه فقط بقبول راسوسیالیست بلکه به رهبری سرگردان را راه قانع گرداند (ا) البته سوسیالیسم طرفند یا سوشلیستی که در برابر خلق‌های دگر میبندد و یا معاندتی که نسبت با آنها را میبندد ارد تا تیر فراوان و همه جانهای آن‌ها میگذارد ولی این اعتبار بهیچ وجه نمیتواند جانشین رهبری مستقیم انقلاب‌گردان و طبقهٔ کارگر هر کشور و حزب مارکسیستی-لنینیستی او است. روزیونیت‌های شوروی این دو مقبول را عبد ایاهم ششبه میسازند تا سیاست خویش را که مبنی بر خیانت به طغیان و خلق‌های ستم‌دیده است مستقل است بر آنها تحمیل کنند. آن‌ها را با بقاد خویش در آورند و مورد بهره‌کشی قرار دهند. نقشه‌های الحاقی و ملیان و امپریالیستی خود را که بخاطر آنها به پامال کردن و خابوشن ساختن انقلاب در این کشورها در دست میچینند بوقوع اجراء بگذارند.

همانطور که تجزیه کشورها بخوبی ثابت کرده است، کم-پشتی و پرولتاریا از این گونه کشورها نمیتواند دلیل نقی سرگردانگی او باشد. زیرا که طبقه کارگر نقش خود را نه مستقیماً بلکه حزب خویش ایفا میکند و این حزب میتواند حتی در جاهی که طبقه کارگر از حیث تعداد ابر کوچک و از حیث پرورش سیاسی سازمان یافته نیست است تشکیل شود. البته ترکیب طبقاتی پرولتاری در خلقت انقلابی حزب دارای اهمیت بسیار است. ولی همهٔ مطلب در اینجا نیست، لنین می‌آورد که: "برای وقتی بر اینکه حزب و اقتصاد حزب سیاسی کارگری است بانه نه فقط باید معین کرد که آیا ترکیب آن از کارگران است بلکه باید معین کرد که آیا رابعری میکند و جوهر عملیات و تکلیف سیاسی اوگ اداست. فقط با روشن ساختن ننگه احیر متوان معین کرد که آیا سرور کارما و اقتصاد حزب سیاسی پرولتاریا است یا نه." (لنین، کلیات، چاپ آلبانی، جلد ۳، صفحه ۲۸۵)

در بسیاری از کشورهای که از سلطه استعماری امپریالیسم رهائی یافته‌اند خلقتی از سوسیالیسم سخن می‌رود ولی تفرقه‌های سوسیالیستی این کشورها از تفرقه واقعی

رهبری مبارزه بخاطر ساختمان سوسیالیسم، کنار طبقه کارگر هر کشور است.

روزیونیت‌ها در تأیید نظریهٔ خویش مبنی بر اینکه گذ از سوسیالیسم بدین رهبری، طبقه کارگر و حزب مارکسیستی لنینیستی او میسر است یک سلسله از کشورها گزیده شاهه می آورند که از سلاطه استعماری امپریالیسم رهائی یافته‌گوشا از راهی که روزیونیت‌ها "راه رشد غیر سراما بود اری" می‌نامند بسوسیالیسم روان گشویا میگردند.

ملفغان روزیونیت‌های خروشچی شوروی می‌نویسند که سیر در این راه ممکن است با رهبری هر طبقه موزکاتیکی آغاز گردن تا ز رهبری طبقه کارگر و دهقانان مختز بورژوازی-شهری و در برخی از کشورها حتی ممکن است نیروی رهبر از زوشفتکاران و منجمله افسران انقلابی باشد. آنان مضمی آنند که سرگردگی حزب مارکسیستی لنینیستی در مبارزه بخاطر سوسیالیسم و بنایه قانون عام مربوط است به رشد جامعهٔ بشری بطور کلی و نه رشد هر کشور خاص. بعقیده آنان در یک سلسله از کشورها که فاع احزاب مارکسیستی اند این نقش پیش‌آهنگ ممکن است بوسیله اتحاد بهای طبقه پرولتاریا - سگد یگها - و یاحتی بوسیله سایر احزاب و یا سازمانهای موزکاتیک ایفا گردد.

از آنجا که روزیونیت‌های خروشچی میدانند که این برهان بهیچ وجه قانع‌کننده نیست و زعل ناامید نشده است میکنند دلائل دیگری نیز می‌آورند. آنها اظهار می‌دارند که در جاهی که کمپشتی پرولتاریا با امکان ایفا نقش سرکرده در نهضت انقلابی تمهید این نقش پیش‌آهنگ ممکن است بنحوی از آنها بوسیله پرولتاریای طرفند کشورهای سوسیالیستی ایفا شود.

ولی کشورهای سوسیالیستی چگونه نقش سرگردگی پرولتاریا را در کشورهای کمپشت ایفا میکنند و چگونه آنها را بسوسیالیسم میکشاند؟ همه بخوبی میدانند که برای این کار راه دیگری جز راهی که بر پایهٔ عامل داخلی ساخته‌شده موجود نیست، و در این کشورها طبقه گوناگون استعمارگر و

پیروز باد جنگ عادلانه خلق لائوس و کامبوج